

## کشف ابعاد توانمندی روان‌شناختی: ساخت و اعتبارسنجی یک مقیاس با روش ترکیبی

\*دکتر مهرداد حاجی حسنی<sup>۱</sup>، فاطمه حاجی حسنی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف ساخت و روایی یابی مقیاس توانمندی روان‌شناختی انجام شد. **روش:** طرح پژوهش ترکیبی از نوع اکتشافی بود. جامعه پژوهش شامل نوجوانان پسر از شهرستان‌های استان تهران بود. برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تقلیل‌گرایی روزمن و مارشال و در بخش کمی برای اعتباریابی پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. **یافته‌ها:** در مرحله نخست 13 مصاحبه شونده به شش بُعد مختلف توانمندی روان‌شناختی اشاره کردند: احساس تعلق، خود پنداره، احساس شایستگی، احساس اعتماد، حس معناداری. در مرحله دوم پاسخ 507 نفر در مطالعه‌ای پیمایشی تحلیل شد و روایی شش مقیاس فوق مورد تأیید قرار گرفت. روایی شاخص توانمندی روان‌شناختی بررسی شد و با استفاده از یک مقیاس دیگر همین نتیجه حاصل شد. توانمندی روان‌شناختی با سخت‌رویی کوباسا (1979) رابطه مثبت داشت. **بحث:** با وجودی که پژوهش‌هایی در مورد این فرایندها انجام گرفته، برای توانمندی روان‌شناختی نوجوانان معیار اندازه‌گیری وجود ندارد. چنین معیاری می‌تواند اطلاعاتی پیرامون کمبودها و کاستی‌های نهفته در توانمندی روان‌شناختی در اختیار درمانگران قرار دهد و آنان را متوجه فقدان جوانبی از فرایند توانمندی روان‌شناختی کند.

**کلید واژه‌ها:** توانمندی روان‌شناختی، حس اعتماد، حس معنی‌داری، حس تعلق، حس شایستگی، خود پنداره

### Abstract

#### Exploration Dimensions of Psychological Empowerment: the Production and Validation of a Scale with a Mixed Method

**Purpose:** This study was conducted to Produce and Validate empowerment Scale in Male adolescents. **Method:** The study population consist of adolescents in Sharyar and Ialam Shar (the province of Tehran). The research design was mixed and exploratory. To analyze the data in qualitative method used of Reductionism Marshall and Rossman and in quantitative methods to validate the questionnaire was used exploratory and confirmatory factor analysis. **Finding:** In the first stage 13 respondents reported six different dimensions of psychological empowerment: sense of belonging, self- concept, Sense of competence, sense of trust, sense of meaning. Secondly responses of 507 people in the survey were analyzed and validity of six factors were approved. Validity was assessed using a scale of psychological empowerment index, the same result was obtained. Relationship between Psychological empowerment and Kobassa hardiness was positive. **Conclusion:** Although the research has been done about these

<sup>1</sup> نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی گروه مشاوره دانشگاه شهرکرد. mehrdadhajhasani@gmail.com

<sup>2</sup> دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

processes, there is no measure for adolescents' psychological empowerment. Such a measure will give information about the shortcomings inherent in the adolescents psychological empowerment to therapists.

**Key words:** psychological empowerment, sense of belonging, self- concept, Sense of competence, sense of trust, sense of meaning

## مقدمه

از جمله سازه‌هایی که امروزه در کار با گروه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است، سازه توانمندی روان‌شناختی<sup>۱</sup> است. سازه توانمندی روان‌شناختی را می‌توان در سطوح مختلف سازمان، جامعه و فرد مورد تحلیل قرار داد (زیمرمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). تحلیل توانمندسازی در سطح سازمانی به معنای بررسی مقررات به‌منظور ارائه فرصت‌ها برای افراد برای کسب کنترل و اثربخشی سازمانی در تحویل خدمات و فرایندهای سیاست‌گذاری است (زیمرمن، ۲۰۰۰). در سطح جامعه، توانمندسازی به بافتی که در آن سازمان‌ها و افراد برای ارتقای زندگی اجتماعی با یکدیگر تعامل می‌کنند، اشاره دارد و در سطح فردی می‌توان سطوح درون فردی، تعاملی و رفتاری<sup>۳</sup> را مد نظر قرار داد (راپاپورت<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷). هس<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) معتقد است که برونداد فرایند توانمندسازی در افراد و محیط‌های مختلف، متفاوت است. برای برخی از افراد مکانیزم توانمندی ممکن است به حس کنترل و در سایر افراد ممکن است به کنترل واقعی منجر شود. قدرت عملی جهت تأثیر بر زندگی شخصی توانمندسازی هم می‌تواند به عنوان نگرشی درونی شده درک شود یا اینکه به مثابه رفتاری قابل مشاهده انگاشته شود.

در ارزیابی وضعیت نوجوانان می‌توان نتیجه گرفت که برخی از این فرزندان احساس ناتوانی<sup>۶</sup> می‌کنند. احساس ناتوانی مترادف با بی‌قدرتی<sup>۷</sup> است. راپاپورت، اسویفت و هس<sup>۸</sup> (۱۹۸۴) بی‌قدرتی را نوعی درماندگی آموخته شده، بیگانگی<sup>۹</sup> و از دست دادن کنترل شخصی بر زندگی تعریف کرده‌اند. در هر دیدگاه، توانمندسازی نسبت به تکلیف بهبود زندگی انسان محوریت دارد. این امر، منابع مادی، سیاسی و اجتماعی و بی‌عدالتی در محیط، قدرت‌های افراد و جامعه، و ارتقاء بهزیستی را از طریق حمایت از گرایش طبیعی مورد توجه قرار می‌دهد که برای تغییر مثبت تلاش کند (زیمرمن، ۲۰۰۰). یک حس کنترل شخصی را، که به وضوح با

<sup>1</sup> Psychological empowerment

<sup>2</sup> Zimmerman

<sup>3</sup> intrapersonal, interactional, and behavioral.

<sup>4</sup> Rappaport

<sup>5</sup> Hess

<sup>6</sup> disempowered

<sup>7</sup> powerlessness

<sup>8</sup> Rappaport, J, Swift, C, & Hess

<sup>9</sup> alienation

سلامتی بیشتر و بهزیستی مرتبط بوده است، در برمی گیرد (چاندولا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). مکانیسمی را برای اصلاح عدم توازن قدرت در جامعه پیشنهاد می کنند (گودمن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴)؛ و به خوبی با گرایش های غالب جاری در حرفه هایی مثل روان شناسی مبتنی بر قدرت و مراقبت سلامت ذهنی مبتنی بر مصرف کننده متناسب است. به طور خلاصه، ماهیت گسترده و قانع کننده توانمندسازی منجر به استفاده گسترده آن در بافت های پژوهشی و عمل اجتماعی در روان شناسی و زمینه های مرتبط شده است (ماسترسون و اوون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

با وجودی که پژوهش هایی در مورد این فرایندها انجام گرفته، برای توانمندی روان شناختی نوجوانان معیار اندازه گیری وجود ندارد. چنین معیاری می تواند اطلاعاتی پیرامون کمبودها و کاستی های نهفته در توانمندی روان شناختی پسران در اختیار درمانگران قرار دهد و آنان را متوجه فقدان جوانی از فرایند توانمندی روان شناختی نوجوانان پسر کند. علاوه بر این، چنین معیاری به صاحب نظران و پژوهشگران امکان می دهد تا بر ابعاد مختلفی از توانمندی روان شناختی پسران متمرکز شوند. مطالعه حاضر در دو مرحله ارائه می شود: در مرحله اول ابعاد توانمندی روان شناختی مورد شناسایی قرار می گیرد. در این مرحله برای تعریف عملیاتی توانمندی روان شناختی ابزاری تدوین شد. مرحله دوم اعتبارسنجی معیار مورد نظر که به آن شاخص توانمندی روان شناختی می گوئیم را در بر می گیرد.

### ابعاد توانمندی روان شناختی:

سازه توانمندی روان شناختی توسط چندین نظریه پرداز مورد بحث قرار گرفته است. مروری مختصر بر این نظریه ها به ما کمک می کند تا چارچوبی برای ایجاد توانمندی روان شناختی داشته باشیم. سپس، مفاهیم مربوط به معیارهای روسازی که برای اثبات روایی سازه معیار جدید استفاده شده است، مورد بحث قرار می گیرد.

زیمرمن (۱۹۹۵) چارچوبی سه بخشی از توانمندسازی روان شناختی ارائه داد که مؤلفه های توانمندسازی را به سه مؤلفه مرتبط به هم تقسیم می کند؛ درون فردی<sup>۴</sup>، تعاملی<sup>۵</sup> و رفتاری<sup>۶</sup>. مؤلفه درون فردی به نحوه تصمیم گیری افراد در مورد قابلیت شان برای تأثیر بر نظام های اجتماعی و سیاسی مهم اشاره دارد. در این مؤلفه، توانمندسازی به عنوان متغیر شخصیتی است که از فرایندهایی نظیر کنترل ادراک شده، خود کارآمدی<sup>۷</sup>، احساس تعلق و شایستگی ادراک شده<sup>۸</sup> تشکیل شده است؛ ۲- بعد رفتاری<sup>۹</sup> به اقدامات خاص برای تمرین اثربخشی از طریق شرکت در سازمان ها و انجمن ها اشاره دارد؛

<sup>1</sup>Chandola, etal.

<sup>2</sup>Goodman

<sup>3</sup>Masterson, S., & Owen, S

<sup>4</sup>intrapersonal

<sup>5</sup>interactional

<sup>6</sup>behavioral.

<sup>7</sup>self-efficacy

<sup>8</sup>perceived competence

<sup>9</sup>behavioural

۳- بعد تعاملی در برگزیده دانش در مورد منابع مورد نیاز و مهارت های حل مساله<sup>۱</sup> است (زیمرن و وارچانسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

اسپریتر (۱۹۹۵) از اولین افرادی بوده است که در زمینه توانمندسازی روان‌شناختی کار کرده است و سازه چهار مؤلفه‌ای از توانمندسازی روان‌شناختی ارائه داده است. وی سازه توانمندی روان‌شناختی را به جای اینکه خصوصیتی ثابت یا مداخله بافتی تعریف کند نوعی حالت شناختی در نظر گرفت. وی معتقد است توانمندی روان‌شناختی حالتی روانی است که به عقاید شخصی مراجع در مورد نقشی که در محیط دارد مرتبط است (اسپریتر، ۲۰۰۸). اسپریتر (۱۹۹۵) چارچوبی را برای توانمندسازی روان‌شناختی ارائه داد که به شکل گسترده در روان‌شناسی و مدیریت به کار گرفته شده است. این چارچوب، توانمندسازی روان‌شناختی را بر مبنای چهار مؤلفه معرفی می‌کند: معنی‌داری، شایستگی، تأثیرگذاری و مستقل بودن. سازه توانمندی روان‌شناختی به بهتر شدن وضعیت در این چهار مؤلفه اشاره دارد (مینارد، گلیسون و متیو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲؛ اسپریتر، ۱۹۹۵).

خود مختاری به سطوح انتخاب و کنترلی که افراد بر رفتار خود دارند اشاره می‌کند (مینارد و همکاران، ۲۰۱۲؛ اسپریتر، ۱۹۹۵). تأثیرگذاری به ادراک افراد از توانمندی‌شان برای ایجاد تغییر و تفاوت در محیط اشاره دارد (اسپریتر، ۱۹۹۵). معناداری، هدفمندی و باورها و ارزش‌ها در زندگی شخصی و کاری است (مینارد و همکاران، ۲۰۱۲). شایستگی نیز به طور مستقیم با مفهوم خود کارآمدی<sup>۴</sup> در ارتباط است (بندور<sup>۵</sup>، ۱۹۸۲) و در واقع به ادراک فرد از توانایی‌اش برای انجام امور به نحو ماهرانه است (مینارد و همکاران، ۲۰۱۲).

هر چند نظریه‌های فوق برخی از مفاهیم و فرایندهای توانمندی روان‌شناختی را به تصویر می‌کشد، پژوهشگران تمامی جنبه‌های توانمندی روان‌شناختی را به روشنی توصیف نکرده‌اند. به استناد این مطالعات، کنترل، عزت نفس و احساس شایستگی عوامل مرتبط با توانمندی روان‌شناختی هستند. هر چند ممکن است ابعاد و روش‌های دیگری نیز در توانمندی روان‌شناختی نوجوانان دخیل باشد. با توجه به اینکه در ایران مقیاس مناسبی برای سنجش توانمندی روان‌شناختی نوجوانان وجود ندارد، هدف از پژوهش حاضر ساخت و اعتبار یابی مقیاس توانمندی روان‌شناختی نوجوانان است.

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر ترکیبی با طرح اکتشافی بود. طرح‌های اکتشافی در دو مرحله کیفی و کمی انجام می‌شوند و هدف از طرح دو مرحله‌ای اکتشافی آن است که نتایج روش اول (کیفی) باعث شکل‌گیری و روشن شدن روش دوم (کمی) شود. مطالعه در دو مرحله انجام شد. هدف مرحله نخست، پاسخ دادن به سؤال پژوهشی بود تا ابعاد توانمندی روان‌شناختی مشخص شود. این هدف با

1problem-solving skills

2Zimmerman MA, Warschawsky

3Maynard, M.T., Gilson, L.L., & Mathieu

4self-efficacy

5Bandura

پرسش از نوجوانان برای تشریح تجربیات آنان از توانمندی روان‌شناختی تحقق یافت. مرحله دوم شامل تدوین و اعتبارسنجی پرسشنامه ای بود که بتوان از آن برای سنجش توانمندی روان‌شناختی استفاده کرد.

### شرکت کنندگان

جامعه پژوهش شامل نوجوانان پسر ساکن شهرستان شهریار و اسلامشهر از توابع استان تهران بود. در بخش اول (بخش کیفی) حجم نمونه ۱۳ نفر تعیین شد و اعضای نمونه با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در این بخش بیشترین فراوانی سنی در طبقه ۱۴ تا ۱۵ بود (۷ نفر) در طبقات ۱۲ تا ۱۳ سال و ۱۶ تا ۱۷ سال نیز به ترتیب ۴ و ۶ شرکت‌کننده در پژوهش حضور داشتند. در بخش کمی پژوهش که با هدف تدوین و اعتبارسنجی پرسشنامه‌ای بود که بتوان از آن برای سنجش توانمندی روان‌شناختی استفاده کرد از نمونه ای با حجم ۵۰۷ نفر استفاده شد. در این بخش برای انتخاب نمونه از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. این نوجوانان در پایه‌های اول راهنمایی تا سوم دبیرستان مشغول به تحصیل بودند. سن مشارکت‌کنندگان از ۱۲ تا ۱۷ سال بود (میانگین: ۱۲/۱۵ و انحراف استاندارد: ۱/۲۰).

### روش اجرا

در بخش اول پژوهش که به روش کیفی صورت گرفت، با ۱۳ نوجوان در دفتر مشاوره مدارس مصاحبه شد. زمان مصاحبه با هر شرکت‌کننده حدود یک ساعت به طول انجامید. در ابتدا به شرکت‌کنندگان پژوهش گفته شد که علاقه مند به شنیدن دیدگاه و تجارب آنها هستم. همچنین، در این مرحله بر گمنامی شرکت‌کنندگان تأکید شد و اینکه بعد از پیاده کردن مصاحبه ضبط شده، فایل صوتی در حضور شرکت‌کننده حذف می‌شود. بعد از ارائه توضیحات در مورد پژوهش، فرصتی به شرکت‌کنندگان برای پرسیدن سؤالاتشان داده شد. به منظور عدم سوگیری در پاسخ‌ها از راهکارهای مختلفی استفاده شد: سؤال‌ها طوری طراحی شد که جنبه‌های مختلف موضوع را پوشش دهد (برای مثال در مورد جنبه‌های مثبت و منفی زندگی در دوره نوجوانی پرسیده شد / فرزندان به واسطه بحران‌های دوره نوجوانی چه چیزی را از دست دادند و چه چیزی را به دست آوردند). همچنین، مصاحبه‌گر مراقب بود که علائم غیرکلامی‌اش تأثیری بر پاسخ‌های شرکت‌کنندگان نداشته باشد. در جریان مصاحبه با نوجوانان سعی شد که عبارات قابل درک متناسب با موقعیت سنی پاسخگو به کار گرفته شود. در بخش دوم (روش کمی) پرسشنامه ۵۶ سؤالی، در هر یک از پنج بُعد بیان شناسایی شده دارای ۱۰ تا ۱۵ سؤال بود. پرسش‌ها منعکس‌کننده مفهومی خاص در هر یک از پنج بعد بود. این پرسشنامه یک مقیاس اضافه هم داشت: مقیاس سخت رویی کوباسا (۱۹۷۹). پرسش‌های مقیاس به‌طور تصادفی در پرسشنامه پخش شد. طبق مقیاس لیکرت، هر پرسش دارای ۶ پاسخ بود. بخش پایانی پرسشنامه حاوی سؤالاتی در مورد سن و تحصیلات شرکت‌کنندگان بود.

### نمره‌گذاری پرسشنامه

نحوه پاسخ‌دهی پرسشنامه محقق‌ساخته به این صورت بود که هر یک از سؤال‌های مقیاس «توانمندی روان‌شناختی» شش گزینه دارد که به ترتیب به گویه‌ها تعلق می‌گیرد. شامل (کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، کمی مخالفم=۳، کمی موافقم=۴، موافقم=۵، کاملاً

موافقم=۶). سؤال‌های ۳، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶ به صورت معکوس نمره گذاری شدند.

## روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل انجام گرفته در مرحله نخست پژوهش به این پرسش که «ابعاد توانمندی روان‌شناختی کدام اند» پاسخ داد. با بهره‌گیری از روش روزمن و مارشال (۲۰۱۴) برای کدگذاری داده‌های کیفی، تمام فرایندهای توصیف شده در مصاحبه شناسایی و طبقه‌بندی شد. این فرایند با چند بار تکرار انجام شد. نخست، متون پیاده شده مصاحبه مطالعه شد تا درکی کلی از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به دست آید. کنار هر خط یا پاراگراف حاشیه‌نویسی شد تا کدگذاری اولیه انجام شد. از این کدهای اولیه یک مقوله‌بندی عمومی برای پاسخ‌های مشارکت‌کننده صورت گرفت. دوم، با مرتب کردن گروه بندی اولیه، بر حسب مقوله‌ها و زیر مقوله‌های عینی، مضامین شناسایی شدند. گروه‌بندی انجام شده، شباهت پاسخ‌ها و تعداد پاسخ‌ها را نشان دادند. پاسخ‌ها بر حسب مضمون اولیه طبقه‌بندی شدند. سوم، مضامین مرور شدند تا میزان هماهنگی آنها با نظریات موجود توانمندی روان‌شناختی و یا چگونگی کمک آنها با درک توانمندی روان‌شناختی کمک شود. در بخش دوم پژوهش، برای اعتباریابی مقیاس توانمندی روان‌شناختی از روش‌های تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد و از نرم افزار لیزرل برای تحلیل یافته‌ها استفاده شد.

## یافته‌ها

به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای اس‌پی‌اس‌اس و لیزرل استفاده شد. ابتدا، پایایی مقیاس توانمندی روان‌شناختی با استفاده از روش همسانی درونی مورد بررسی قرار گرفت. ضریب آلفای مقیاس برابر با  $0/83$  به دست آمد که نشان دهنده همسانی درونی قابل قبول مقیاس است.

به منظور بررسی ساختار عاملی پرسشنامه، ابتدا کفایت نمونه برداری کیسر-میر-الکین (KMO) و آزمون کرویت بارتلت بررسی شدند. مقدار KMO برابر  $0/766$  و آزمون کرویت بارتلت معنادار بود ( $\chi^2=8815/022$ ،  $df=1540$ ،  $p<0/001$ )، بنابراین داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است (هومن، ۱۳۸۵). تحلیل عاملی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس اجرا شد. بارهای عاملی بزرگتر از  $0/3$  معنادار در نظر گرفته شدند (کلاین پل، ترجمه صدرالسادات و مینایی، ۱۳۸۰). برای تعیین تعداد عوامل از ملاک کیسر و آزمون اسکری کتل استفاده شد. مقادیر ارزش ویژه پنج عامل (احساس شایستگی، احساس معنی‌داری، خویندازه، احساس تعلق، احساس اعتماد) با ارزش ویژه بالاتر از ۱ استخراج شده به روش مؤلفه‌های اصلی به ترتیب  $5/90$ ،  $5/02$ ،  $4/49$ ،  $3/56$  و  $2/87$  بودند. پنج عامل استخراج شده در مجموع  $39/05$  درصد واریانس آزمون را تبیین می‌کردند. جدول (۱) ماتریس عاملی چرخش یافته و بارهای عاملی سؤال‌ها بر روی عامل‌ها را نمایش می‌دهد.

جدول (۱) بارهای عاملی ماده‌ها پس از چرخش واریماکس

مؤلفه‌ها					گویه‌ها
5	4	3	2	1	
				۰/۵۹۹	5 نسبت به توانایی‌ام برای انجام امور مطمئن هستم
				۰/۵۸۲	10 از یادگیری مطالب جدید که دشوار به نظر آیند اجتناب می‌کنم
				۰/۵۷۲	6 از مقابله با بیشتر مشکلاتی که در زندگی برایم پیش می‌آید عاجزم
				۰/۵۶۷	4 وقتی تصمیم به انجام کاری می‌گیرم به‌طور جدی و دقیق روی انجام همان کار تمرکز می‌کنم
				۰/۵۵۱	1 وقتی طرحی می‌ریزم مطمئن هستم می‌توانم انجام دهم
				۰/۴۹۳	7 قبل از تمام کردن کارهایم آنها را رها می‌کنم
				۰/۴۷۷	9 شکست باعث تلاش بیشتر من می‌شود
				۰/۴۵۵	8 وقتی مشکلات غیر قابل پیش‌بینی برایم رخ می‌دهد به خوبی از پس آنها بر می‌آیم
					2 یکی از مشکلات من این است که نمی‌توانم تکالیفم را به خوبی انجام دهم
					3 از روبه‌رو شدن با مشکلات اجتناب می‌کنم
			۰/۷۱۹		21 زندگی‌ام را سرشار از معنا و هدف می‌دانم
			۰/۶۹۷		20 بسیار بد شانس هستم

۰/۶۹۳	18 معنای زندگی ام را درک می‌کنم
۰/۵۴۳	13 بیشتر اوقات احساس می‌کنم زندگی پوچ و بی‌معناست
۰/۵۲۷	11 هدف مهمی در زندگی دارم و برای رسیدن به آن برنامه مشخصی دارم
۰/۴۹۴	19 زندگی ارزش زیستن ندارد
۰/۴۹۲	16 زندگی من هدف روشنی ندارد
۰/۴۴۳	12 بیشتر اوقات احساس می‌کنم که زندگی ناامیدکننده شده است
۰/۴۲۶	17 حس خوبی دارم که چیزی به زندگی ام معنا می‌بخشد
۰/۳۳۹	14 در زندگی ام هدف روشنی دارم
۰/۳۰۰	15 در بیشتر اوقات زندگی را باری به هر جهت می‌گذرانم
۰/۶۲۸	24 نسبت به خودم احساس بدی دارم
۰/۵۶۹	23 از اینکه مردم در مورد عقاید من بدانند احساس شرمساری می‌کنم
۰/۵۴۱	26 فردی قابل اعتماد هستم
۰/۴۳۰	30 می‌توانم خودم را دوست داشته باشم حتی اگر دیگران دوستم نداشته باشند
۰/۴۱۹	27 بیشتر اوقات احساس حقارت می‌کنم
۰/۴۱۲	22 بسیار بد شانس هستم
۰/۳۹۱	25 شخصیتی دلپذیر دارم
۰/۳۵۱	29 بیشتر اوقات نگران بد فکر



کردن دیگران در مورد خودم

هستم

28 نسبت به دیگران اعتماد به

نفس کمتری دارم

31 بیشتر مردم، من را به عنوان

فردی جذاب می شناسند

۰/۵۲۳

40 همه تلاشم را برای

مشارکت در کارهای گروهی

می کنم.

۰/۴۶۷

39 به صورت مفیدی در جامعه

و محله ام مشارکت دارم.

۰/۴۳۱

38 در جامعه و محله برای

انجام کارها داوطلب هستم

۰/۳۹۰

35 به جامعه احساس تعلق

می کنم

۰/۳۸۸

33 در کنار دوستان احساس

خوبی دارم

۰/۳۷۲

37 من و دوستانم در تکالیف

درسی به یکدیگر کمک

می کنیم

۰/۳۲۳

32 احساس می کنم عضوی

واقعی از مدرسه هستم.

۰/۳۱۰

34 عضوی عادی در جامعه

هستم

36 روابط صمیمانه زیادی با

دوستانم در مدرسه دارم

41 به نیازها و خواسته های

دیگران تا حد امکان اهمیت

می دهم

۰/۷۱۱

43 بیشتر آدم ها مهربان و

خوب اند

۰/۶۸۷

44 بیشتر آدم ها نسبت به

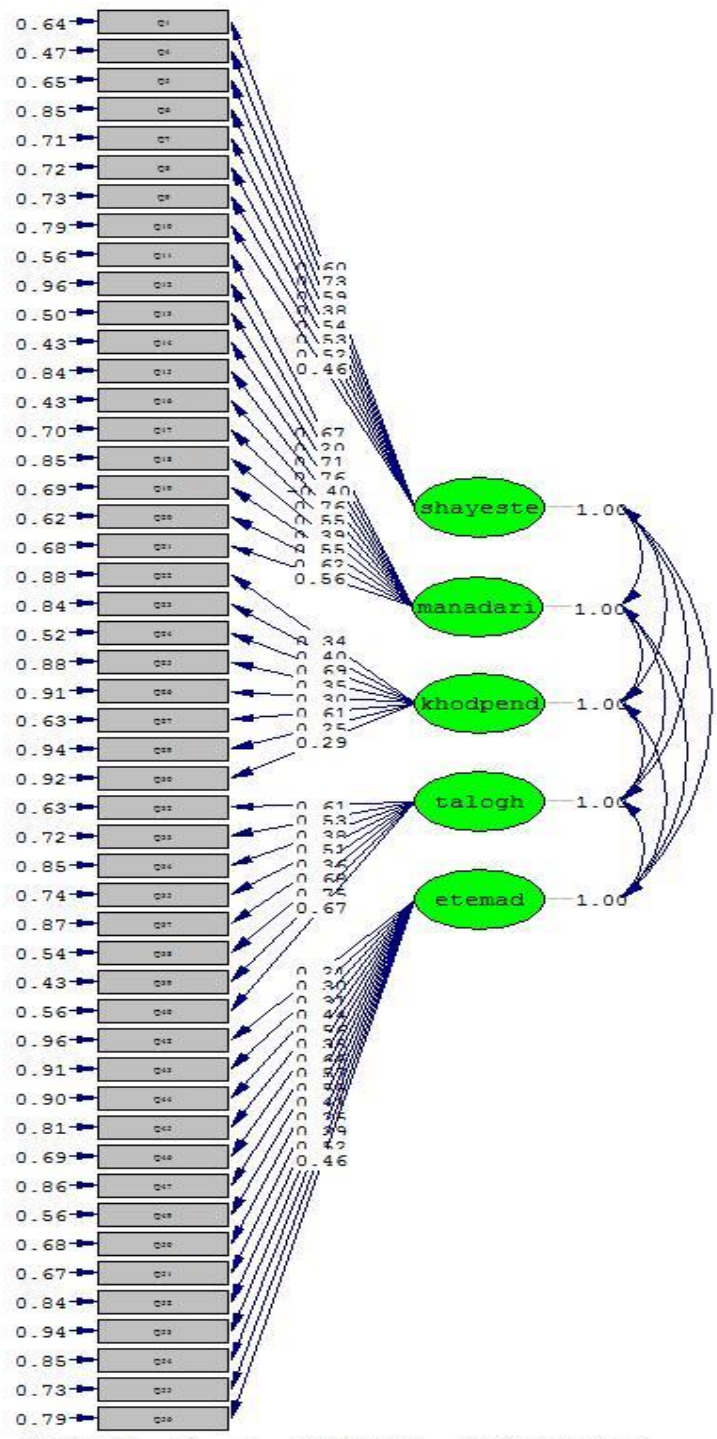
یکدیگر قابل اعتمادند

۰/۶۶۳

47 بیشتر آدم ها به دلیل

	منفعت شخصی، به صورت انفرادی فعالیت می کنند.
۰/۶۲۹	56 بیشتر زنان فریب کار هستند
۰/۶۲۵	55 بیشتر مردان فریب کار هستند
۰/۶۲۲	54 بیشتر زنان مقصر دعوای در خانواده هستند
۰/۶۰۱	49 بیشتر آدم ها در روابطشان خیانت می کنند
۰/۴۹۲	50 بیشتر آدم ها شخصیت واقعی شان را پنهان می کنند
۰/۴۸۷	45 بیشتر آدم ها برای رسیدن به منفعت شخصی دروغ می گویند
۰/۴۸۶	42 بیشتر آدم ها اساسا درست کارند
۰/۴۶۸	53 بیشتر مردان مقصر دعوای در خانواده هستند
۰/۴۵۶	51 بیشتر آدم ها ریاکارند
۰/۴۳۹	46 بیشتر آدم ها بد قول هستند
۰/۴۲۹	52 بیشتر زنان به فکر منافع شخصی خود هستند
	48 بیشتر آدم ها تحت هر شرایطی به فکر خدمت به دیگران هستند

در نهایت سؤال‌های شماره ۲، ۳، ۲۸، ۳۱، ۳۶، ۴۱ و ۴۸ به دلیل داشتن وزن‌های مؤلفه‌ای کوچکتر از ۰/۳۰ نا مناسب تشخیص داده شده و از مجموع سؤال‌های پرسشنامه حذف شد.



Chi-Square=2209.03, df=1117, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

شکل (۱) تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول مقیاس توانمندی روان‌شناختی فرزندان طلاق در حالت ضرایب استاندارد

shayeste = احساس شایستگی

manadari = احساس معناداری

khodpend = خود پنداره

talogh = احساس تعلق

etemad = حس اعتماد

شکل (1) مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول پرسشنامه در حالت ضرایب استاندارد را نمایش می‌دهد. مقدار پارامتر برآورد شده برای هر یک از متغیرها نشان‌دهنده قدرت بار عاملی هر متغیر روی عامل مرتبط با آن است.

جدول (2) شاخص‌های برازش مدل عاملی

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده	ارزیابی شاخص برازش
$\chi^2/df$	$\leq 3$	2	مناسب
IFI	$> 0.9$	0.91	مناسب
RFI	$> 0.9$	0.91	مناسب
RMSEA	$< 0.08$	0.072	مناسب
CFI	$> 0.9$	0.90	مناسب
NFI	$> 0.9$	0.90	مناسب

شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی ( $\chi^2/df$ ) برازش مدل را تأیید می‌کند.  $\chi^2/Df$  که این عدد کمتر از 3 است و به معنی برازش مدل با داده هاست.

خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برابر 0.072 است که از میزان ملاک (0.08) کوچک‌تر است و در نتیجه برازش مدل را تأیید می‌کند. سایر شاخص‌های برازش نیز در حد قابل قبول است. در مجموع، این نتایج مبین این موضوع است که پرسشنامه با توان بالایی از عهده ارزیابی توانمندی روان‌شناختی نوجوانان بر می‌آید و همه پارامترهای لازم را برای مناسب و خوب بودن یک ابزار داراست.

## روایی سازه

برای بررسی روایی سازه از مقیاس سرسختی روان‌شناختی کوباسا (1979) استفاده شد. نتایج در جدول (3) درج شده است:

جدول (3) همبستگی بین سرسختی روان‌شناختی با توانمندی روان‌شناختی

متغیر	سرسختی روان‌شناختی	توانمندی روان‌شناختی
سرسختی روان‌شناختی	1	
توانمندی روان‌شناختی	*00/53	1

\*همبستگی در سطح 0/01 معنادار است.

نتایج جدول (3) نشان می‌دهد که بین مقیاس توانمندی روان‌شناختی و مقیاس سرسختی روان‌شناختی کوباسا همبستگی معنادار وجود دارد. از این رو، روایی سازه پرسشنامه تأیید شد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تدوین و رواسازی مقیاس توانمندی روان‌شناختی فرزندان بود. در این بخش یافته‌های هر دو مرحله مطالعه مورد بحث قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که پژوهش چگونه به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یافته است. در مرحله نخست مطالعه، پنج بعد توانمندی روان‌شناختی مشخص شد. تحلیل عاملی تأییدی شاخص توانمندی روان‌شناختی، این پنج بُعد را از جنبه تجربی تأیید کرد. این تأییدی بر روایی محتوا بود. همچنین، روایی سازه شاخص توانمندی روان‌شناختی به دلیل رابطه معنی‌دار مثبت سخت‌رویی روان‌شناختی کوباسا با توانمندی روان‌شناختی تأیید شد. در این بخش هر یک از ابعاد بررسی می‌شود.

عامل اول، احساس شایستگی است. شایستگی، انجام وظایف یا نشان دادن رفتارهای خاصی را شامل می‌شود. در واقع می‌توان احساس شایستگی را توانایی تعامل سازنده با محیط تعریف کرد. شایستگی نیز به طور مستقیم با مفهوم خود کارآمدی<sup>1</sup> در ارتباط است (بندور<sup>2</sup>، ۱۹۸۲) و در واقع به ادراک فرد از توانایی‌اش برای انجام امور به نحو ماهرانه است (مینارد و همکاران، ۲۰۱۲). عامل دوم، احساس معناداری<sup>۳</sup> است. احساس معنی‌داری با داشتن هدف در زندگی مرتبط است. نوجوانانی که احساس معنی‌داری بیشتری گزارش می‌دهند از سازگاری بیشتری برخوردارند و در نتیجه احتمال رفتارهای مخرب در آنها کاهش می‌یابد (آلونزو و همکاران، 2014). معناداری به هدفمندی و باورها و ارزش‌ها در زندگی شخصی و کاری نیز اشاره دارد (مینارد و همکاران، 2012).

<sup>1</sup>self-efficacy

<sup>2</sup>Bandura

<sup>۳</sup>sense of meaning

عامل سوم، خود پنداره است<sup>۱</sup>. نوجوانانی که دارای خودپنداره مثبتی هستند و توانایی‌ها و نقاط ضعف خود را به خوبی می‌شناسند، اهدافشان را به درستی انتخاب می‌کنند، بی‌جهت خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنند و هیچ چیز آنها را از رسیدن به اهدافشان باز نمی‌دارد. نوجوانانی که خودپنداره منفی دارند، برعکس، به علت اینکه توانایی‌های خود را چنان که هست قبول ندارند، راحت‌تر هم‌رنگ جماعت می‌شوند و زود تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند. در واقع خودپنداره، ارزشیابی کلی فرد از شخصیت خویش است. این ارزشیابی ناشی از ارزشیابی ذهنی است که معمولاً از ویژگی‌های رفتاری خود به عمل می‌آوریم. در نتیجه خودپنداره ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره به عنوان یکی از پیامدهای مطلوب در اغلب موقعیت‌های روان‌شناختی و پرورشی دارای ارزش است و غالباً به عنوان متغیری واسطه‌گر، شناخته می‌شود که می‌تواند اکتساب نتایج مطلوب دیگری مثل پیشرفت و پشتکار در مدرسه را تسهیل کند.

عامل چهارم، احساس تعلق<sup>۲</sup> بود. تعلق، توصیف‌کننده نوعی احساس تعلق به چیزی یا تعلق به کسی است. حس تعلق، را می‌توان نوعی احساس برابری و صمیمیت و همچنین پیوندی نزدیک با دیگران تعریف کرد، چیزی را که می‌توان هویت اجتماعی<sup>۳</sup> نیز نامید. این مفهوم اغلب برای نشان دادن احساس تعلق به مکان(ها) (نظیر خانه)، کشور یا فرهنگ به کار گرفته می‌شود(گیالیانی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). افراد می‌توانند در یک بافت خاص، افراد و چیزهایی را خواهان تعلق به آن هستند را انتخاب کنند. روابط متفاوت افراد تأثیر معناداری بر احساس تعلق آنان دارد (میدجو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷). احساس تعلق در بافت‌های متفاوتی رشد می‌کند. احساس تعلق موقعیتی، فرصتی را به افراد برای تغییر مراحل تعلق و فرایندهای مرتبط با آن می‌دهد. شکل‌های مختلف احساس تعلق ممکن است شامل پیوندهای زیستی و اجتماعی شود. نوجوانانی که از نظر توانمندی روان‌شناختی در سطح بالایی هستند، ممکن است نسبت به برادران و خواهران زیستی یا رضاعی و نیز سایر افراد در اجتماعی احساس تعلق پیدا کنند(آنجل، ۲۰۱۴).

در نهایت نتایج به دست آمده از مرحله اول پژوهش نشان داد که احساس اعتماد عامل پنجم را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد شرکت‌کنندگان، توانایی اعتماد به دیگران، نشان‌دهنده روش تعامل با سایرین در جهت پیدا کردن راه‌هایی برای چگونگی برآورده کردن خواسته‌ها است. جانسون، تورن‌گرن و اسمیت<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که برخی از نوجوانان، مشکلات بیشتری در حفظ احساس خود مجزا<sup>۷</sup>، یا عدم وابستگی بدون کناره‌گیری از دیگران دارند. به نظر می‌رسد که نوجوانان، از عدم اعتماد به دیگران، به عنوان راهی برای حفظ استقلال شخصی‌شان استفاده می‌کنند. این روند رفتاری ممکن است ناشی از این نیاز باشد که نوجوان برای دوری از رنج و برای محافظت از خودشان در مقابل کسانی باشد که از وضعیت شان آگاهی دارند.

به طور کلی می‌توان مؤلفه‌های استخراج شده پژوهش حاضر را تا حدودی با نظریه‌های توانمندسازی روان‌شناختی همخوان دانست. طبق نظریه اسپریتزر (۱۹۹۵) چارچوب توانمندسازی روان‌شناختی چهار مؤلفه اصلی دارد: معنی‌داری، شایستگی، تأثیرگذاری و مستقل بودن. در

<sup>1</sup> Self-concept

<sup>2</sup> sense of belonging

<sup>3</sup> social identity

<sup>4</sup> Giuliani

<sup>5</sup> Midjo

<sup>6</sup> Johnson, Thorngren, and Smith

<sup>7</sup> separate sense of self

پژوهش حاضر مؤلفه‌های معنی‌دار و احساس شایستگی مطرح شده در نظریه اسپریتزر (۱۹۹۵) مورد شناسایی قرار گرفت. سایر مؤلفه‌های شناسایی شده را می‌توان تا حدود زیادی با سایر نظریه‌های توانمندسازی (از قبیل زیمرمن، ۲۰۰۰) همخوان دانست.

به طور خلاصه شاخص توانمندی روان‌شناختی پنج عامل است و جوانب تأیید شده تجربی از توانمندی روان‌شناختی نوجوانان را اندازه‌گیری می‌کند. پژوهشگران در فرایندی دو مرحله‌ای توانستند روایی صوری، روایی محتوایی و روایی سازه را برای شاخص توانمندی روان‌شناختی نشان دهند. هر چند هر یک از این ابعاد به تنهایی اطلاعات ارزشمندی در اختیار ما قرار می‌دهد اما شاخص کامل در برگیرنده داده‌های مؤثری درباره میزان توانمندی روان‌شناختی در نوجوانان است. احتمال دارد روابط میان این پنج عامل در دراز مدت برای درمانگران و مشاوران علاقه‌مند به دوره نوجوانی ارزشمند شود و منجر به شکل‌گیری نظریه‌های بیشتری در مورد توانمندی روان‌شناختی نوجوانان شود.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از مقیاس توانمندی روان‌شناختی برای ارزشیابی توانمندی روان‌شناختی نوجوانان در مقایسه با سایر داده‌ها همچون میزان سلامت روان، موفقیت تحصیلی، حل مؤثر بحران‌های رشدی استفاده شود. این اطلاعات می‌تواند ارتباط توانمندی روان‌شناختی را با سایر متغیرهای مهم روشن کند. این پژوهش‌ها می‌توانند اطلاعات ارزشمندی برای کاربردهای نظری و عملی فراهم کنند.

#### منابع:

- Alonzo, D., Thompson, R. G., Stohl, M., & Hasin, D. (2014). The influence of parental divorce and alcohol abuse on adult offspring risk of lifetime suicide attempt in the united states. *American journal of orthopsychiatry*, 84(3), 316.
- Angel, B. Ø. (2014). Foster Children's Sense of Sibling Belonging. *SAGE Open*, 4(1), 2158244014529437
- Bandura, A. (1982). Self-efficacy mechanism in human agency. *American Psychologist*, 37, 122-147.
- Chandola, T., Kuper, H., Singh-Manoux, A., Bartley, M., & Marmot, M. (2004). The effect of control at home on CHD events in the Whitehall II study: Gender differences in psychosocial domestic pathways to social inequalities in CHD. *Social Science & Medicine*, 58, 1501-1509.
- Giuliani, M. V. (2003). Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues* (pp. 137-170). Aldershot, UK: Ashgate.
- Goodman, L. A., Liang, B., Helms, J. E., Latta, R. E., Sparks, E., & Weintraub, S. R. (2004). Training counseling psychologists as social justice agents: Feminist and multicultural principles in action. *The Counseling Psychologist*, 32, 793-836

- Hess, J. D. (2014). *The economics of organization* (Vol. 21). Elsevier.
- Jonsson, J. O., & Gähler, M. (1997). Family dissolution, family reconstitution, and children's educational careers: Recent evidence for Sweden. *Demography*, 34(2), 277-293.
- Masterson, S., & Owen, S. (2006). Mental health service user's social and individual empowerment: Using theories of power to elucidate farreaching strategies. *Journal of Mental Health*, 15, 19–34.
- Maynard, M.T., Gilson, L.L., & Mathieu, J.E. (2012). Empowerment – Fad or Fab? A Multilevel Review of the Past Two Decades of Research. *Journal of Management*, 38(4), 1231-1281.
- Midjo, T. (1997). Familierelasjoner og identitetsdannelse [Family relations and identity formation]. In E. Backe-Hansen & T. Havik (Eds.), *Barnevern på barnas premisser* (pp. 150-162). Oslo, Norway: Ad Notam Gyldendal.
- Rappaport J. (1987). Terms of Empowerment Exemplars of Prevention – toward a Theory for Community Psychology. *Am J Commun Psychol* 15: 121–148.
- RAPPAPORT, J., Swift, C., & Hess, R. (1984). Researching community psychology.
- Spreitzer, G. M. (2008). Taking stock: A review of more than twenty years of research on empowerment at work. *Handbook of organizational behavior*, 54-72.
- Spreitzer, G.M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement, and validation. *Academy of Management Journal*, 38, 1442-1465.
- Zimmerman M. (2000). Empowerment theory: Psychological, organizational, and community levels of analysis.
- Zimmerman MA, Warschausky S. (1998). Empowerment theory for rehabilitation research: Conceptual and methodological issues. *Rehabilitation Psychology*, 43: 3–16.
- Zimmerman, M. A. (1995). Psychological empowerment: Issues and illustrations. *American Journal of Community Psychology*, 23(5), 581-599.